

انحصار بازار حسابرسی و کیفیت سود: شواهدی از انحصار دولتی و انحصار خصوصی آمنه بذرافشان^۱

چکیده

بر اساس نظریه‌های علم اقتصاد، انحصار یا رقابت در بازار ارتباط تنگاتنگی با کیفیت محصول دارد. هدف از انجام این مطالعه بررسی رابطه انحصار بازار حسابرسی و کیفیت سود به عنوان محصول نظام گزارشگری مالی می‌باشد. از آنجاکه پیرامون نحوه تأثیر مثبت و منفی انحصار بازار حسابرسی بر کیفیت سود دو تحلیل رقیب وجود دارد پژوهش حاضر به مطالعه تجربی تأثیر انحصار بازار حسابرسی بر سه معیار کیفیت سود شامل "اقدام تعهدی اختیاری، کیفیت اقدام تعهدی و محافظه‌کاری" می‌پردازد. همچنین این پژوهش نقش انحصار دولتی و انحصار خصوصی را بر رابطه یادشده بررسی می‌کند. با بهره‌گیری از رگرسیون چند متغیره و بررسی ۹۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴، نتایج نشان می‌دهد با افزایش انحصار، میزان اقدام تعهدی اختیاری کاهش و بالتبع مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش میزان انحصار، کیفیت اقدام تعهدی افزایش می‌یابد. البته شواهدی از وجود رابطه معنادار میان انحصار و محافظه‌کاری مشاهده نمی‌شود. بعلاوه، شواهد حاکی از آن است که نوع انحصار (دولتی یا خصوصی) نمی‌تواند تأثیر معنی‌داری بر رابطه بین انحصار بازار و اقدام تعهدی اختیاری و نیز رابطه بین انحصار بازار و کیفیت اقدام تعهدی داشته باشد. درحالی‌که انحصار دولتی بطور معنی‌داری موجب کاهش محافظه‌کاری می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انحصار بازار حسابرسی، انحصار خصوصی، انحصار دولتی، کیفیت سود.

طبقه بندی موضوعی: M12, M41, M42

مقدمه

گزارشاتی که اخیراً در کشورهای نظیر آمریکا، انگلیس و اتحادیه اروپا منتشر شده است حاکی از وجود نگرانی‌های فعالان بازار پیرامون موضوع انحصار بازار حسابرسی می‌باشد (اداره حسابداری عمومی^۲، ۲۰۰۳؛ اداره پاسخگویی دولت^۳، ۲۰۰۸ و وزارت خزانه داری آمریکا، ۲۰۰۸). این نگرانی‌ها از آنجا نشأت می‌گیرد که اغلب شرکت‌ها در سطح بین‌المللی توسط چهار موسسه بزرگ حسابرسی می‌شوند که این امر می‌تواند تأثیر منفی بر بازارهای حسابرسی و کیفیت حسابرسی داشته باشد. اهمیت این نگرانی‌ها زمانی دوچندان می‌شود که تحقیقات و مطالعات اندکی پیرامون پیامدهای انحصاری شدن بازار حسابرسی صورت گرفته است. پیرامون نحوه اثرگذاری انحصار بر کیفیت حسابرسی دو تحلیل رقیب وجود دارد.

در تحلیل اول، به اعتقاد تعدادی از صاحب‌نظران انحصار بازار حسابرسی موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌گردد. به این ترتیب که با افزایش انحصار، موسسات حسابرسی نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند و این حس بیش اعتمادی در آنها موجب می‌شود انگیزه کافی برای رقابت در بازار و بهبود کار خود نداشته باشند. بنابراین با افزایش قدرت حسابرسان در بازار، کیفیت حسابرسی رو به افول می‌رود. نتایج تحقیقات کالاپور و همکاران (Kallapur, et al., 2010) نیز تاییدکننده این ادعا است. در تحلیل دوم، عده‌ای معتقدند با افزایش انحصار بازار حسابرسی کیفیت حسابرسی بهبود می‌یابد زیرا با وجود انحصار، حسابرسان، دیگر نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند و تمرکز بیشتری روی کار خود خواهند داشت و لذا این امر کیفیت کار را بالا خواهد برد. بعلاوه در صورت وجود انحصار، امکان افزایش دوره تصدی و تخصص در صنعت برای حسابرسان وجود خواهد داشت و در نتیجه کیفیت حسابرسی، بهبود خواهد یافت. نتایج پژوهش فرانسیس و همکاران (Francis, et al., 2013) نیز تاییدکننده این ادعا است. از آنجا که بخش عمده کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی می‌باشد انتظار می‌رود با تغییر سطح کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی و نیز کیفیت سود تحت تأثیر قرار گیرد.

با توجه به مطالب مذکور و وجود تحلیل‌های رقیب پیرامون تأثیر انحصار بازار حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و کیفیت سود، هدف از انجام این مطالعه بررسی رابطه انحصار بازار حسابرسی و کیفیت سود می‌باشد. انگیزه اصلی این تحقیق نگرانی‌های موجود در خصوص مدیریت سود و کیفیت سود

² General Accounting Office

³ Government Accountability Office

بوده است و اینکه دانشگاهیان، فعالان بازار و سیاستگذاران تردیدهایی درباره کیفیت حسابرسی در بازارهای انحصاری حسابرسی و در نتیجه کیفیت سود دارند. اهمیت این مساله تحقیق، زمانی روشن تر می شود که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا، با انعکاس هر چه بهتر چشم اندازهای سودآوری و نقدآوری شرکت، ابزار مهم تخصیص کارای منابع سرمایه در بازار به شمار می روند. برای سرمایه-گذاران و سایر بخش های ذینفع مفید است که از وضعیت هایی، نظیر وضعیت انحصار یا عدم انحصار بازار حسابرسی، که ممکن است در آن کیفیت سود متاثر گردد آگاهی داشته باشند. بنابراین این تحقیق درصدد پاسخ به این سوال است که آیا انحصار بازار حسابرسی بر کیفیت سود اثرگذار است یا خیر و در صورت وجود این اثرگذاری، افزایش کیفیت سود است یا کاهش کیفیت سود. شایان ذکر است در ایران تحقیقی پیرامون پدیده انحصار بازار حسابرسی و تأثیر آن بر کیفیت سود انجام نشده است. بعلاوه تعمیم نتایج تحقیقات خارجی مرتبط به بازار حسابرسی ایران دست کم از دو منظر با محدودیت مواجه می باشد. اول، تحقیقات خارجی عموماً بر بازارهایی متمرکز هستند که در آن، حسابرسی توسط موسسات بخش خصوصی، انجام می شود در حالی که در بازار حسابرسی ایران، علاوه بر بخش خصوصی، بخش دولتی نیز کاملاً فعال می باشد. دوم، تحقیقات خارجی عموماً بر بازارهایی متمرکز هستند که در آن، حسابرسی اغلب توسط چهار موسسه بزرگ حسابرسی جهان انجام می شود در حالی که در بازار حسابرسی ایران، ضمن آن که چهار موسسه یادشده، فعال نمی باشند، رقابت عموماً بین تعداد گسترده تری از موسسات ایرانی اعم از بخش خصوصی و بخش دولتی وجود دارد. محدودیت اول موجب شده در تحقیقات بین المللی کمتر به موضوع خصوصی یا دولتی بودن بازار حسابرسی توجه شود و محدودیت دوم موجب شده در تحقیقات بین المللی کمتر به موضوع انحصار در بازار حسابرسی پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

تلاش های زیادی در ادبیات علم اقتصاد صورت گرفته تا به لحاظ تئوریک، ساختار بازار را با کیفیت محصول مرتبط سازند. در این راستا، مدل سازی و آزمون تجربی بازار که مشخصه اصلی آن انحصاری بودن و رقابت ناکامل است یک چالش محسوب می شود. بررسی ادبیات اقتصادی نشان می دهد که توافق اندکی پیرامون موضوع تأثیر انحصار بر کیفیت محصول وجود دارد. عده ای معتقدند که رابطه معکوسی بین انحصار و کیفیت محصول وجود دارد. به اعتقاد آنها در یک بازار انحصاری، تولیدکنندگان توجهی به خواسته ها و نیازهای مشتریان خود ندارند که این امر موجب کاهش کیفیت

کالاهای تولیدی می‌گردد (Spence, 1975). در حالی که در مقابل عده‌ای تصور دیگری دارند و معتقدند اصولاً آنچه باعث شده که یک تولیدکننده در یک بازار انحصاری خوب عمل کند به علت کیفیت بالای محصولاتش بوده بنابراین رابطه مستقیمی بین انحصار و کیفیت کالا وجود دارد (Sutton, 1991).

یافته‌های بالا، در مجموعه نظریه‌های علم اقتصاد، حسب نوع انحصار بازار نظیر انحصار کامل، انحصار چندجانبه، رقابت انحصاری و ... به حالت‌های بیشتر قابل تفکیک است (Mas-Colell, et al., 1995; Ramos, 2005; Clayton, et al., 2006; Ramos, 2009). برای مثال، در شرایط انحصار کامل که فقط یک فروشنده و تعداد زیادی خریدار در بازار وجود دارند، انحصارگر تنظیم‌کننده قیمت است و قدرت کامل بازار را دارد. به همین دلیل انحصارگر معمولاً تعداد کمتری کالا تولید کرده و با قیمت بالاتری به فروش می‌رساند که در نتیجه آن منجر به ایجاد سود اقتصادی برای آن می‌شود. از آنجا که برخی از فعالیت‌های شرکت انحصارگر برای فضای کسب و کار نامناسب است و در نهایت باعث کاهش کیفیت محصولات و خدمات می‌شود، در برخی از کشورها به وسیله قوانین ضد انحصار، محدودیت‌هایی برای انحصارگران اجبار می‌شود (Ramos, 2009). همچنین در شرایط انحصار چندجانبه، تعداد کمی از تولیدکنندگان بر بازار تسلط دارند. هر کدام از آنها از فعالیت‌های دیگر تولیدکننده‌ها آگاه است. تصمیم یکی از آنها بر تصمیم دیگران تأثیرگذار است و از تصمیمات آنها تأثیرپذیر است. در این حالت، برنامه ریزی استراتژیک توسط هر کدام از آنها نیاز به این دارد که پاسخ هر یک از رقبای نیز مورد ملاحظه قرار دهد. در این حالت، شرکت‌های انحصارگر، از هزینه‌های خود و توابع تقاضا اطلاعات کامل دارند، اما خریداران اطلاعات ناقصی از قیمت و کیفیت محصولات دارند (Vives, 2000).

متناسب با تئوری‌های اقتصادی مندرج در بند بالا، در ادبیات حسابرسی نیز مساله انحصار در تحقیقات متعدد (Craswell, et al., 2002; Beattie, et al., 2003; Kallapur, et al., 2010; Bell, et al., 2015, ...) مورد توجه می‌باشد. با این حال، با توجه به آنکه تحقیقات مزبور عموماً معطوف بازارهای بزرگی هستند که در آن چهار موسسه بزرگ حسابرسی فعال هستند، نوع انحصار عموماً شامل انحصار چند جانبه می‌شود. تحقیقات انجام شده در چنین بازارهایی در مجموع در دو دسته کلی قابل تفکیک است. تعدادی از صاحب‌نظران معتقدند (برای مثال، کالاپور و همکاران، ۲۰۱۰) انحصار بازار حسابرسی موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌گردد. آنها اینگونه استدلال می‌کنند با افزایش انحصار، قدرت موسسات حسابرسی در بازار افزایش می‌یابد و آنها دیگر نگران از دست دادن مشتریان

خود نیستند و این حس بیش اعتمادی در آنها موجب می شود که انگیزه کافی برای رقابت در بازار و بهبود کار خود نداشته باشند. بنابراین با افزایش قدرت حسابرسان در بازار، کیفیت حسابرسی رو به افول می رود. با این حال در مقابل عده‌ای (برای مثال، فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳) معتقدند که با افزایش انحصار بازار حسابرسی می توان کیفیت حسابرسی را بهبود بخشید چراکه با وجود انحصار، حسابرسان دیگر نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند و تمرکز بیشتری روی کار خود خواهند داشت که این امر کیفیت کار را بالا خواهد برد. بعلاوه زمانیکه بازار در اختیار تعداد محدودی از موسسات است این امکان وجود دارد که یک شرکت سال‌های زیادی توسط یک موسسه مشخص، حسابرسی گردد. بنابراین افزایش دوره تصدی حسابرسان و تخصص در صنعت، بهبود کیفیت حسابرسی را در پی خواهد داشت (Asthana, et al., 2018). از آنجایی که کیفیت حسابرسی یکی از مهمترین عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی و نیز کیفیت سود می باشد انتظار بر این است انحصار بازار حسابرسی کیفیت سود شرکت ها را متاثر سازد.

این دو دسته از تحقیقات، از نظر اقتصادی نیز قابل پیش بینی است. برای روشن تر شدن موضوع در اینجا از نظریه رقابت برتراند (Bertrand, 1883)، استفاده می شود. همانطور که بیان شد با توجه به آنکه تحقیقات حسابرسی عموماً معطوف بازارهای بزرگی هستند که در آن چهار موسسه بزرگ حسابرسی فعال هستند، نوع انحصار عموماً شامل انحصار چندجانبه می شود. رقابت بین شرکت‌ها در بازار انحصاری چند جانبه‌ای ذاتاً یک موقعیت تعامل استراتژیک می باشد که به همین منظور، بهترین ابزار برای تحلیل آن، نظریه بازی‌ها می باشد (Ramos, 2005; Clayton, et al., 2006). بر این اساس، برتراند معتقد است که فرض می شود که بنگاه‌ها (موسسات حسابرسی) در یک بازی همزمان قیمت فروش (قیمت خدمات یا حق الزحمه حسابرسی) خود را تعیین می کنند. اگر قیمت یکسانی را پیشنهاد دهند، تقاضای محصول در آن قیمت بین آنها تقسیم می شود و اگر قیمت‌های متفاوتی ارائه دهند همه بازار به بنگاهی (موسسه‌ای) می رسد که قیمت پایین تری را پیشنهاد کرده و مقدار تقاضای پیش روی او برابر با تقاضای کل بازار در همان قیمتی که پیشنهاد کرده خواهد بود. طبق تحلیل تعادل نش باید یک مجموعه استراتژی (مجموعه قیمت‌های پیشنهادی) برای مجموعه بنگاه‌ها در نظر بگیریم به گونه‌ای که هر کدام از آنها با ثابت و دانسته فرض کردن قیمت‌های پیشنهادی دیگران، انگیزه تخطی از قیمت پیشنهادی خود را نداشته باشد. این شرایط خود به حالت‌های مختلف قابل تفکیک است. "اگر بنگاه‌ها دارای هزینه‌های نهایی ثابت و یکسانی باشند"، در همه تعادل‌ها، قیمت بازار برابر با هزینه نهایی آنها خواهد شد و همگی سود صفر خواهند برد. چرا که اگر کمترین قیمت پیشنهادی از

هزینه نهایی بالاتر باشد یک بنگاه انگیزه خواهد داشت که قیمتی اندکی پایین تر پیشنهاد کند و همه سود بازار را از آن خود کند. همین طور اگر پایین تر از آن باشد حداقل یک بنگاه در حال زیان است و انگیزه تخطی خواهد داشت. به عبارتی این مدل در این حالت خاص مانند بازار رقابت کامل می شود و هیچ رفتار استراتژیک یا تباری ضمنی بین بنگاه‌ها به وجود نخواهد آمد. "اگر هزینه نهایی یکی از بنگاه‌ها از قیمت انحصاری بنگاه دیگر (قیمتی که اگر انحصار کامل داشت برایش بهینه بود) بیشتر باشد"، تعادل جایی است که بنگاه کم هزینه قیمت انحصاری خود را پیشنهاد دهد و دیگری هر قیمتی بالاتر از آن را پیشنهاد دهد. در این حالت، مدل مانند انحصار کامل می شود (Bertrand, 1883). با این توصیف، حسب تعامل استراتژیک بنگاه‌ها، انتظار می رود در شرایط انحصار چندجانبه، رفتارهای متفاوتی از موسسات حسابرسی انتظار رود. برغم نگرانی‌های موجود پیرامون پیامدها و اثرات انحصار بازار حسابرسی، مطالعات اندکی در این خصوص انجام گرفته است. بر اساس اغلب این گزارشات پدیده انحصار، پدیده‌ای نامطلوب تلقی می شود زیرا انتخاب حسابرس را برای شرکت‌ها محدود می سازد و ممکن است منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی گردد. به عنوان مثال به دنبال فروپاشی ارتور اندرسون، اداره حسابداری عمومی آمریکا در سال ۲۰۰۳ به مطالعه پیرامون پدیده انحصار پرداخت و در گزارش خود اعلام کرد تنها شرکت‌های محدودی قادر به حسابرسی شرکت‌های بزرگ هستند که این امر می تواند ریسک ایجاد انحصار و کاهش کیفیت و افزایش حق الزحمه را در پی داشته باشد. همچنین، بیت و همکاران (Beattie, et al., 2003) مشاهده نمودند بعد از فروپاشی ارتور اندرسون، انحصار در بازار انگلیس افزایش یافته است و تعدادی از صنایع تحت انحصار تعداد محدودی از موسسات هستند و این موسسات حق الزحمه گزافی از صاحبکاران خود مطالبه و دریافت می کنند. البته به اعتقاد کراسول و همکاران (Craswell, et al., 2002) اسناد و مدارکی پیرامون فعالیت موسسه های حسابرسی در یک بازار رقابتی وجود دارد که نشان دهنده این است که حق الزحمه حسابرسی از طریق سایر مشتریان قابل جایگزین بوده و لذا احتمال کمی وجود دارد که حسابرسان برای رضایت صاحبکار، استقلال خود را از دست دهند. بنابراین حسابرسان با حفظ استقلال می توانند به حق الزحمه منطقی خود دست پیدا کنند.

علاوه بر نکات بالا، شواهد غیر مستقیمی وجود دارد که می تواند آثار انحصار در بازار حسابرسی را متفاوت نماید. برای مثال، در پژوهش های تجربی حسابرسی (برای نمونه، کراسول و همکاران ۲۰۰۲؛ بیت و همکاران ۲۰۰۳)، غالباً بسیاری از آثار انحصار در قالب میزان و نحوه تأثیرگذاری بر حق الزحمه حسابرسی (و سپس بر متغیرهای مختلف دیگر نظیر استقلال، کیفیت سود، تقارن اطلاعاتی

و ... بحث و تحلیل می‌شود. اصولاً بحث حق الزحمه حسابرسی در انحصار دولتی و انحصار خصوصی وزن متفاوتی دارد چرا که بخش خصوصی برای بقای خود بسیار بیشتر از بخش دولتی (که مستقیماً یا با واسطه متکی به بودجه‌های دولتی است) نیازمند دریافت حق الزحمه‌های مناسب است. بعلاوه قدرت مطالبه و وصول حق الزحمه در بخش دولتی (که حمایت‌های مستقیم و متعددی را از جانب دولت دارد) و بخش خصوصی (که به طور معمول حمایت‌های عمومی را دارد) نیز یکسان نمی‌باشد. همچنین محققانی نظیر اشلمن (Eshleman, 2013) در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که زمانی که بازار شامل تعداد محدودی صاحبکار است و اندازه صاحبکاران نیز کوچک است همراه با افزایش انحصار، حق الزحمه نیز افزایش می‌یابد. در مقابل در بازارهایی که دارای تعداد زیادی صاحبکار است و اغلب آنها بزرگ هستند انحصار موجب کاهش حق الزحمه می‌گردد. بعلاوه وی مشاهده نمود کیفیت حسابرسی در بازارهایی که هم انحصاری است و هم اندازه نسبتاً بزرگی دارد بیشتر است. البته در مقابل، می‌توان نظریه سرایت کیفیت را مطرح نمود. بر اساس نظریه سرایت (Liuchuang, et al., 2017; Martin, et al., 2017)، کیفیت بخش خصوصی (دولتی) می‌تواند به بخش دولتی (خصوصی) سرایت کند و لذا تحت این شرایط در بلندمدت نمی‌توان انتظار داشت که آثار انحصار در بازار حسابرسی متفاوت گردد.

پیشینه تجربی

همان‌طور که در بخش پیشینه نظری اشاره گردید تحقیقات خارجی عموماً در محیطی انجام شده است که چهار موسسه بزرگ، بازار حسابرسی را به سمت انحصار کشانده است. در این محیط، یافته‌های تجربی پیرامون اثر انحصار بر کیفیت سود متفاوت می‌باشد. این تفاوت هم از نظر نوع اثر مثبت یا منفی انحصار بر کیفیت سود و هم از نظر اثر انحصار بر معیارهای مختلف کیفیت سود قابل مشاهده است. برای مثال، استانا و بون (Asthana & Boone, 2012) مطالعه‌ای در زمینه هزینه‌های غیرعادی حسابرسی، انحصار بازار حسابرسی و کیفیت حسابرسی انجام داده‌اند. نتایج مطالعات آنها نشان داد انحصار بازار حسابرسی موجب می‌شود که حساب‌برسان برای بهبود کیفیت خدمات انگیزه‌ای نداشته باشند و احتمال مدارا کردن با مشتریان افزایش می‌یابد که در نتیجه کیفیت خدمات کاهش می‌یابد. همچنین، کالاپور و همکاران (Kallapur, 2010) نشان دادند با افزایش انحصار، اقلام تعهدی اختیاری افزایش و خطای برآورد اقلام تعهدی نیز افزایش یافته است. بون و همکاران (Boone, et al., 2012) با انجام تحقیقی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ دریافتند انحصار بیشتر منجر به افزایش دستکاری سود

توسط مدیر می‌شود. به عبارت دیگر در زمان وجود انحصار، مدیران شرکت‌ها تمایل بیشتری دارند تا به سودهای پیش‌بینی شده توسط تحلیلگران دست یابند. با این وجود، فرانسیس و همکاران (Franscis, 2013) در بررسی پدیده انحصار در ۴۱ کشور در سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۴ به دو نتیجه مهم دست یافتند. اول اینکه در کشورهایی که چهار موسسه بزرگ اغلب شرکت‌ها را حسابرسی می‌کنند صاحبکاران چهار بزرگ کیفیت سود بالاتری دارند. آنها کیفیت سود را با استفاده از شاخص‌های کل ارقام تعهدی، ارقام تعهدی غیرعادی، گزارشگری زیان و شناسایی به موقع زیان (محافظه‌کاری) سنجیدند. این یافته برخلاف پیش‌فرض‌های قبلی بود که بطور بالقوه وجود انحصار نامطلوب است. آنها مشاهده نمودند کیفیت حسابرسی چهار بزرگ در مقایسه با سایر موسسات بیشتر است بطوریکه ارقام تعهدی گزارش شده صاحبکارانشان کمتر است، زیان‌های بیشتری گزارش نموده و زیان‌ها را نیز به موقع شناسایی می‌نمایند. نتیجه دوم این بود که انحصار در درون چهار موسسه بزرگ رابطه منفی با کیفیت سود دارد. به این معنا که زمانی که سهم بازار چهار بزرگ در یک کشور در اختیار یک موسسه یا بیشتر است (به جای اینکه بطور مساوی در دست چهار موسسه باشد) کیفیت سود صاحبکاران چهار بزرگ کمتر است. چی و همکاران (Choi, et al., 2018) در بررسی داده‌های حاصله از ۲۵ کشور دنیا مشاهده نمودند که علیرغم اینکه، بطور کلی، رابطه معناداری بین انحصار بازار حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی وجود ندارد این رابطه تحت تأثیر رژیم حقوقی کشورها قرار دارد. به نحوی که رابطه مذکور در کشورهای با رژیم حقوقی ضعیف‌تر مثبت و در کشورهای با رژیم حقوقی قوی‌تر منفی است.

نتایج حاصل از پیمایش نظرات شرکای موسسات حسابرسی در نیجریه حاکی از آن است که انجام حسابرسی مشترک می‌تواند موجب کاهش انحصار بازار حسابرسی و افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه کیفیت سود گردد (Okaro, et al., 2018). اوهلسون و کارلسون (Ohlsson & Carlsson, 2018) در بررسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استکهلم در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶، رابطه معناداری بین انحصار بازار حسابرسی و کیفیت حسابرسی مشاهده نمودند.

یافته‌های برخی محققان نظیر بل و همکاران (Bell, et al., 2015)، کامرن و همکاران (Cameran, et al., 2015)، نیوتن و همکاران (Newton, et al., 2013) و هوانگ و همکاران (Huang, et al., 2015) نشان می‌دهد انحصار ممکن است اثر معکوسی بر کیفیت حسابرسی و بالتبع کیفیت سود داشته باشد.

اورادی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ دریافتند بین شاخص‌های رقابت در بازار حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد اما اندازه بازار حسابرسی بر رابطه بین شاخص تمرکز صاحبکار و کیفیت حسابرسی، اثر منفی و معناداری دارد.

سروش‌یار و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ دریافتند افزایش رقابت در بازار حسابرسی منجر به کاهش استقلال حسابرس و کاهش کیفیت سود می‌شود.

همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد انحصار بازار حسابرسی می‌تواند هم موجب کاهش و هم موجب افزایش کیفیت حسابرسی گردد. با افزایش انحصار، موسسات حسابرسی نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. بنابراین انگیزه کافی برای رقابت در بازار و بهبود کار خود ندارند. این امر موجب کاهش کیفیت حسابرسی خواهد شد. در مقابل از آنجا که با وجود انحصار، حسابرسان نگرانی از بابت از دست دادن مشتریان خود ندارند تمرکز بیشتری روی کار خود خواهند داشت. در نتیجه کیفیت حسابرسی افزایش خواهد یافت. از آنجایی که کیفیت حسابرسی یکی از مهمترین عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی و نیز کیفیت سود می‌باشد انتظار بر این است انحصار بازار حسابرسی، کیفیت سود شرکت‌ها را متاثر سازد. در پژوهش حاضر، از ارقام تعهدی اختیاری، کیفیت ارقام تعهدی و محافظه-کاری به عنوان معیاری برای کیفیت سود استفاده شده است. با توجه به تحلیل‌ها و یافته‌های ذکر شده پیرامون اثر انحصار بر کیفیت سود و تأثیر نوع انحصار بر رابطه یادشده، فرضیات تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: رابطه معناداری بین انحصار بازار حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه معناداری بین انحصار بازار حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی وجود دارد.

فرضیه سوم: رابطه معناداری بین انحصار بازار حسابرسی و محافظه کاری وجود دارد.

فرضیه چهارم: نوع انحصار بر رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری تأثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: نوع انحصار بر رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ششم: نوع انحصار بر رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و محافظه کاری تأثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که شرایط زیر در مورد آنها صدق کند: ۱. بانک، شرکت بیمه و سرمایه‌گذاری نباشد، ۲. سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود، ۳. بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ تغییر سال مالی نداشته باشند، و ۴. اطلاعات مورد نیاز آنها در دوره زمانی پژوهش در دسترس باشد. با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۹۰ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

مدل تحقیق

برای آزمون فرضیه اول تحقیق، یعنی رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری، از مدل رگرسیون خطی فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$AB - ACC_t = \alpha_0 + \alpha_1 CONCENT_t + \alpha_2 LOGSALE_t + \alpha_3 CFO_t + \alpha_4 LEV_t + \alpha_5 PPE - GROWTH_t + \alpha_6 SALES - GROWTH_t + \alpha_7 LAGLOSS_t + \alpha_8 SIZE_t + \alpha_9 \sum INDUSTRY + \alpha_{10} \sum YEAR + \varepsilon_t \quad (\text{رابطه ۱})$$

AB-ACC: اقلام تعهدی اختیاری، CONCENT: انحصار بازار حسابرسی، LOGSALE: لگاریتم فروش، CFO: جریان نقد عملیاتی، LEV: اهرم شرکت که از تقسیم میزان بدهی‌ها بر دارایی‌ها حاصل می‌شود، PPE-GROWTH: رشد دارایی ثابت که برابر است با مبلغ دارایی ثابت در سال t منهای مبلغ دارایی ثابت در سال t-1، SALES-GROWTH: رشد فروش که برابر است با مبلغ فروش در سال t منهای مبلغ فروش در سال t-1، LAG-LOSS: اگر شرکت در سال قبل زیانده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند، SIZE: اندازه شرکت که از متوسط فروش و دارایی به دست می‌آید، INDUSTRY: صنعت مورد بررسی و YEAR: سال مورد بررسی.

برای اندازه‌گیری انحصار بازار حسابرسی، به پیروی از هوانگ و همکاران (۲۰۱۵)، از شاخص هرفیندال هیرشمن استفاده شده است. این شاخص به صورت مجموع مربعات سهم بازار هر یک از

موسسات حسابرسی بزرگ مطابق با فرمول زیر محاسبه می شود. X_i مبلغ حق الزحمه موسسات بزرگ حسابرسی می باشد. هرچه این شاخص به عدد یک نزدیکتر باشد بیانگر این است میزان انحصار بیشتر است.

$$HI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{X_i}{X} \right)^2 \quad \text{رابطه ۲}$$

جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری از باقیمانده مدل کوتاری و همکاران (Kotharia et al., 2005) به شرح زیر استفاده شده است. هرچه میزان این باقیمانده ها کمتر باشد میزان مدیریت سود کمتر خواهد بود.

$$TACC/TA_{t-1} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_1 \frac{\Delta REV - \Delta REC}{TA_{t-1}} + \alpha_2 \left(\frac{\Delta PPE}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_3 ROA + \varepsilon_t \quad \text{رابطه ۳}$$

TACC: کل اقلام تعهدی که از تفاضل سود خالص و جریان های نقد عملیاتی حاصل می شود، TA: کل دارایی ها، ΔREV : تغییر در درآمدها، ΔREC : تغییر در حساب های دریافتی، PPE: دارایی های ثابت و ROA: بازده دارایی ها.

برای آزمون فرضیه دوم تحقیق، یعنی رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می شود.

$$ACC - QU_t = \alpha_0 + \alpha_1 CONCENT_t + \alpha_2 LOGSALE_t + \alpha_3 CFO_t + \alpha_4 LEV_t + \alpha_5 PPE - GROWTH_t + \alpha_6 SALES - GROWTH_t + \alpha_7 LAGLOSS_t + \alpha_8 SIZE_t + \alpha_9 \sum INDUSTRY + \alpha_{10} \sum YEAR + \varepsilon_t \quad \text{رابطه ۴}$$

جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی از باقیمانده مدل دیچاو و دیچو (Dechow & Dichev, 2002) بهره گرفته شده است. هرچه میزان این باقیمانده ها کمتر باشد کیفیت اقلام تعهدی بیشتر است.

$$TACC = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_1 CFO_{t-1} + \alpha_2 CFO_t + \alpha_3 CFO_{t+1} + \varepsilon_t \quad \text{رابطه ۵}$$

در سنجش محافظه کاری، از مدل های بال و شیواکومار (Ball & Shivakumar, 2005) و بوشمن و پایتروسکی (Bushman & Piotroski, 2006) به عنوان مبنای کار استفاده شده است. طبق این مدل ها، شرکت هایی که جریان نقد منفی دارند اقلام تعهدی خود را به موقع تر شناسایی نموده و محافظه کارانه تر عمل می کنند. به این ترتیب برای آزمون فرضیه سوم تحقیق از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می شود. در مدل زیر این مساله مورد آزمون قرار می گیرد که آیا ضریب α_7 نسبت به ضریب α_3 بطور معناداری افزایش داشته است یا خیر. اگر علامت ضریب α_7 مثبت

باشد حاکی از شناسایی به موقع تر زیان و محافظه کاری بیشتر است در حالی که ضریب منفی بیانگر محافظه کاری کمتر می‌باشد.

$$\begin{aligned} TACC_t = & \alpha_0 + \alpha_1 NEG_t + \alpha_2 CFO_t + \alpha_3 NEG * CFO_t \\ & + \alpha_4 CONCEN_t + \alpha_5 NEG * CONCEN_t \\ & + \alpha_6 CFO * CONCEN_t \\ & + \alpha_7 NEG * CFO * CONCEN_t \\ & + \alpha_8 SIZE_t + \alpha_9 LAG - LOSS_t \\ & + \alpha_{10} SALES - GROWTH_t + \alpha_{11} LEV_t \\ & + \alpha_{12} LOGSALE_t + \alpha_{13} \sum INDUSTRY \\ & + \alpha_{14} \sum YEAR + \varepsilon_t \end{aligned} \quad \text{(رابطه ۶)}$$

NEG: چنانچه جریان نقد عملیاتی منفی باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند.

برای آزمون فرضیه چهارم تحقیق، یعنی تأثیر نوع انحصار (دولتی یا غیردولتی) بر رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$\begin{aligned} AB - ACC_t = & \alpha_0 + \alpha_1 CONCEN_t + \alpha_2 GOV + \alpha_3 GOV * \\ & CONCEN_t + \alpha_4 LOGSALE_t + \alpha_5 CFO_t + \alpha_6 LEV_t + \alpha_7 PPE - \\ & GROWTH_t + \alpha_8 SALES - GROWTH_t + \alpha_9 LAG - LOSS_t + \\ & \alpha_{10} SIZE_t + \alpha_{11} \sum INDUSTRY + \alpha_{12} \sum YEAR + \varepsilon_t \end{aligned} \quad \text{(رابطه ۷)}$$

GOV: چنانچه حسابرسی شرکت در انحصار موسسه حسابرسی دولتی باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می‌کند. مبنای تعیین نوع انحصار (دولتی یا خصوصی)، نوع موسسه حسابرسی (دولتی یا خصوصی) است که دارای سهم از بازار معادل حداقل سه برابر "معکوس تعداد موسسات حسابرسی فعال در یک سال - صنعت" باشد. برای مثال چنانچه در یک سال - صنعت، پنج موسسه حسابرسی فعال باشند، در اوج شرایط عدم انحصار، انتظار می‌رود هر موسسه حسابرسی ۲۰٪ از بازار را در اختیار داشته باشد. حال چنانچه نوع موسسه حسابرسی که دارای سهم از بازار بیش از سه برابر این درصد یعنی ۷۵٪ می‌باشد دولتی باشد عدد یک و چنانچه خصوصی باشد عدد صفر را اختیار می‌کند.

برای آزمون فرضیه پنجم تحقیق، یعنی تأثیر نوع انحصار بر رابطه بین انحصار بازار حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$$\begin{aligned}
 ACC - QU_t = & \alpha_0 + \alpha_1 CONCN_t + \alpha_2 GOV \\
 & + \alpha_3 GOV * CONCN_t + \alpha_4 LOGSALE_t \\
 & + \alpha_5 CFO_t + \alpha_6 LEV_t + \alpha_7 PPE - GROWTH_t \\
 & + \alpha_8 SALES - GROWTH_t + \alpha_9 LAG - LOSS_t \\
 & + \alpha_{10} SIZE_t + \alpha_{11} \sum INDUSTRY + \alpha_{12} \sum YEAR \\
 & + \varepsilon_t
 \end{aligned}
 \tag{۸}$$

برای آزمون فرضیه ششم تحقیق، یعنی تأثیر نوع انحصار بر رابطه بین انحصار بازار حساسی و محافظه کاری، از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود. در این مدل اگر علامت ضریب α_9 مثبت باشد حاکی از شناسایی به موقع تر زیان و محافظه کاری بیشتر است در حالی که ضریب منفی بیانگر محافظه کاری کمتر می‌باشد.

$$\begin{aligned}
 TACC_t = & \alpha_0 + \alpha_1 NEG_t + \alpha_2 CFO_t + \alpha_3 NEG * CFO_t \\
 & + \alpha_4 CONCN_t + \alpha_5 NEG * CONCN_t \\
 & + \alpha_6 CFO * CONCN_t \\
 & + \alpha_7 NEG * CFO * CONCN_t + \alpha_8 GOV_t \\
 & + \alpha_9 GOV * NEG * CFO * CONCN_t \\
 & + \alpha_{10} SIZE_t + \alpha_{11} LAG - LOSS_t \\
 & + \alpha_{12} SALES - GROWTH_t + \alpha_{13} LEV_t \\
 & + \alpha_{14} LOGSALE_t + \alpha_{15} \sum INDUSTRY \\
 & + \alpha_{16} \sum YEAR + \varepsilon_t
 \end{aligned}
 \tag{۹}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در جدول ۱ نمایش داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین انحصار بازار حساسی ۰/۲۳۷ می‌باشد. به عبارت دیگر حدود ۲۳ درصد شرکت‌های نمونه توسط موسسات بزرگ حساسی می‌شوند. متوسط قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری ۰/۱۰۵ و متوسط کیفیت اقلام تعهدی ۰/۱۳۱ است.

جدول (۱): آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
AB-ACC	۰/۱۰۵	۰/۰۸۰	۰/۱۰۲	۰/۹۷۱	۰/۰۰۰
CONCEN	۰/۲۳۷	۰/۱۷۳	۰/۱۷۹	۰/۹۰	۰/۰۰۰
LOGSALE	۱۳/۰۵۷	۱۳/۲۵۱	۱/۷۲۲	۱۸/۰۵۰	۱/۳۹۰
SIZE	۱۳/۳۲۵	۱۳/۳۷۰	۱/۴۴۶	۱۸/۴۰۰	۸/۹۴۰
LEV	۰/۶۹۷	۰/۶۶۹	۰/۳۸۸	۳/۵۶۰	۰/۰۷۰

-۰/۸۶۶	۴۷/۴۱۰	۲/۷۸۸	۰/۰۳۱	۰/۵۰۰	PPE-GROWTH
-۰/۹۹۰	۷/۸۲۰	۰/۵۵۶	۰/۱۳۴	۰/۱۷۸	SALES-GROWTH
-۰/۴۳۰	۱/۱۵۰	۰/۱۸۸	۰/۱۱۰	۰/۱۲۹	CFO
-۰/۷۴۰	۰/۶۵۰	۰/۱۶۷	۰/۰۰۷	۰/۰۲۴	TACC
۰/۰۰۰	۰/۹۰۰	۰/۱۲۰	۰/۰۹۹	۰/۱۳۱	ACC-QU

در جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق به تفکیک میزان و نوع انحصار ارائه شده است. اگر عدد مربوط به انحصار از میانه اعداد بیشتر باشد انحصار بالا تلقی می‌شود در غیر این صورت انحصار پایین خواهد بود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در انحصار بالا کمتر است. این امر نشان‌دهنده این نکته است که میزان مدیریت سود کمتر است. همچنین در انحصار بالا، قدرمطلق باقیمانده مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) کمتر است که حاکی از بالا بودن کیفیت اقلام تعهدی دارد.

جدول (۲): آمار توصیفی به تفکیک میزان انحصار

انحصار بالا			انحصار پایین			متغیرها
انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین	
۰/۱۲۳	۰/۰۸۲	۰/۱۰۲	۰/۱۲۳	۰/۰۸۲	۰/۱۱۲	AB-ACC
۰/۱۲۳	۰/۳۵۸	۰/۳۵۵	۰/۰۴۷	۰/۰۸۱	۰/۰۸۱	CONCEN
۱/۶۲۷	۱۳/۵۰۰	۱۳/۲۹۷	۱/۵۷۷	۱۳/۰۲۲	۱۲/۶۸۰	LOGSALE
۱/۴۵۹	۱۳/۵۳۱	۱۳/۵۱۶	۱/۳۲۴	۱۳/۰۱۰	۱۲/۹۳۱	SIZE
۰/۳۲۳	۰/۶۸۹	۰/۶۹۷	۰/۳۹۷	۰/۶۶۵	۰/۶۸۷	LEV
۴/۱۰۶	۰/۰۳۱	-۰/۷۵۵	۱/۱۶۲	-۰/۰۱۷	۰/۲۳۹	PPE-GROWTH
۰/۵۰۶	۰/۱۸۹	۰/۲۳۵	۰/۳۷۹	۰/۱۷۹	۰/۲۰۶	SALES-GROWTH
۰/۲۳۱	۰/۱۲۱	۰/۱۶۴	۰/۱۸۵	۰/۰۸۰	۰/۱۲۶	CFO
۰/۱۹۷	۰/۰۰۵	۰/۰۱۶	۰/۱۵۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	TACC
۰/۱۲۰	۰/۰۹۵	۰/۱۱۳	۰/۱۲۰	۰/۰۹۵	۰/۱۳۶	ACC-QU
انحصار خصوصی			انحصار دولتی			متغیرها
انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین	
۰/۱۲۳	۰/۰۸۲	۰/۱۱۶	۰/۱۲۳	۰/۰۸۲	۰/۱۰۷	AB-ACC
۰/۱۶۶	۰/۳۳۵	۰/۲۶۴	۰/۱۴۸	۰/۱۲۳	۰/۱۶۲	CONCEN
۱/۳۰۶	۱۳/۵۰۲	۱۳/۴۱۰	۱/۸۵۲	۱۲/۳۶۷	۱۲/۴۰۹	LOGSALE
۱/۲۷۰	۱۳/۵۷۰	۱۳/۵۴۶	۱/۵۱۲	۱۲/۶۱۶	۱۲/۷۸۰	SIZE
۰/۲۲۸	۰/۶۶۷	۰/۶۳۶	۰/۴۷۸	۰/۷۶۹	۰/۷۷۰	LEV

۲/۱۶۲	۰/۰۳۱	۰/۵۰۳	۴/۵۹۷	-۰/۰۱۸	۰/۷۴۶	PPE-GROWTH
۰/۴۶۲	۰/۲۰۰	۰/۲۴۸	۰/۴۲۴	۰/۱۶۳	۰/۱۸۱	SALES-GROWTH
۰/۲۰۶	۰/۱۸۷	۰/۲۰۹	۰/۲۱۵	۰/۰۹۹	۰/۱۴۵	CFO
۰/۱۷۳	۰/۰۰۷	۰/۰۲۶	۰/۱۵۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۸	TACC
۰/۱۳۳	۰/۰۹۵	۰/۱۳۰	۰/۱۰۰	۰/۰۹۷	۰/۱۱۶	ACC-QU

آمار استنباطی

در جدول ۳، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه اول نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود رابطه بین انحصار بازار و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری منفی و در سطح ۹۵٪ معنادار (CONCEN=-۰/۰۷۹ و sig=۰/۰۴۴) است. به عبارت دیگر با افزایش انحصار میزان اقلام تعهدی اختیاری کاهش و در نتیجه مدیریت سود کاهش می‌یابد. بعلاوه جریان نقد عملیاتی، اهرم و رشد دارایی ثابت رابطه مثبت و معناداری با قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری دارد.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

Sig	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۰۲۵	۲/۲۵۶	۰/۱۲۱	Intercept
۰/۰۴۴	-۲/۰۲۱	-۰/۰۷۹	CONCEN
۰/۰۹۷	-۱/۶۶۲	-۰/۰۱۰	LOGSALE
۰/۰۰۰	۴/۴۶۳	۰/۲۱۹	CFO
۰/۰۲۶	۲/۲۳۰	۰/۰۳۴	LEV
۰/۰۰۰	۴/۳۲۵	۰/۰۰۷	PPE-GROWTH
۰/۲۸۰	۱/۰۸۱	۰/۰۰۹	SALES-GROWTH
۰/۱۸۰	-۱/۳۴۳	-۰/۰۲۳	LAG-LOSS
۰/۵۸۰	۰/۵۵۴	۰/۰۰۴	SIZE
	۰/۰۹۷		R ² تعدیل شده
	۱/۸۵۸		آماره دوربین واتسون
F آماره = ۳/۰۸۲ و Sig = ۰/۰۰۰			

در جدول ۴، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه دوم نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانگونه که مشاهده می‌شود رابطه بین انحصار بازار و شاخص کیفیت اقلام تعهدی منفی و در سطح ۹۵٪ معنادار (CONCEN = -۰/۰۷۷ و sig = ۰/۰۴۱) است. همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی از مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) بهره گرفته شده است. در این مدل، مقادیر خطا بیانگر کیفیت اقلام تعهدی هستند. به این ترتیب که هرچه مقدار خطا در یک شرکت کمتر باشد کیفیت اقلام تعهدی بیشتر است. با توجه به موارد مذکور می‌توان اینگونه استنباط کرد که با افزایش انحصار میزان خطای مدل کاهش و بالتبع کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت سود افزایش می‌یابد. همچنین اهرم رابطه مثبت و معنادار و زیان سال گذشته رابطه منفی و معناداری با کیفیت اقلام تعهدی دارد.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

Sig	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۰۰۶	۲/۷۸۶	۰/۱۶۶	Intercept
۰/۰۴۱	-۲/۰۵۲	-۰/۰۷۷	CONCEN
۰/۷۳۲	-۰/۳۴۲	-۰/۰۰۳	LOGSALE
۰/۰۸۵	۱/۷۲۶	۰/۰۵۸	CFO
۰/۰۰۱	۳/۴۵۱	۰/۰۶۹	LEV
۰/۵۹۵	-۰/۵۳۲	-۰/۰۰۱	PPE-GROWTH
۰/۳۳۶	۰/۹۶۳	۰/۰۱۴	SALES-GROWTH
۰/۰۰۳	-۲/۹۴۷	-۰/۰۶۴	LAG-LOSS
۰/۸۱۳	-۰/۲۳۷	-۰/۰۰۲	SIZE
	۰/۰۳۹		R ² تعدیل شده
	۱/۵۸۹		آماره دورین واتسون
F = ۲/۹۰۵ و Sig = ۰/۰۰۴			

در جدول ۵، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه سوم نشان داده شده است. در این مدل، رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و محافظه کاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانگونه که مشاهده می‌شود رابطه بین انحصار بازار و شاخص محافظه کاری منفی و در سطح ۹۵٪ بی معنی (NEG*CFO* CONCEN = -۰/۶۲۴ و sig = ۰/۶۷۰) است. به عبارت دیگر انحصار بازار تأثیری روی

گزارشگری محافظه کارانه شرکت‌ها ندارد. همچنین اهرم و زیان سال گذشته رابطه منفی و معنادار و رشد فروش رابطه مثبت و معناداری با کل ارقام تعهدی دارد.

در جدول ۶، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه چهارم نشان داده شده است. در این مدل، تأثیر نوع انحصار بر رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب متغیر تعاملی منفی و در سطح ۹۵٪ بی‌معنی ($GOV*CONCEN = -0.028$ و $sig = 0.715$) است. به عبارت دیگر نوع انحصار تأثیری بر رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری ندارد.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضرایب	آماره t	Sig
Intercept	-۰/۱۰۹	-۱/۲۲۹	۰/۲۲۰
NEG	۰/۰۵۸	۱/۳۷۰	۰/۱۷۱
CFO	-۰/۱۷۰	-۱/۸۶۰	۰/۰۶۴
NEG*CFO	-۰/۴۷۷	-۱/۷۵۴	۰/۰۸۰
CONCEN	۰/۱۲۲	۱/۴۲۹	۰/۱۵۴
NEG*CONCEN	-۰/۱۵۰	-۰/۹۲۴	۰/۳۴۷
CFO*CONCEN	-۱/۰۳۲	-۲/۹۰۷	۰/۰۰۴
NEG*CFO*CONCEN	-۰/۶۲۴	-۰/۴۲۶	۰/۶۷۰
SIZE	۰/۰۱۴	۱/۱۲۷	۰/۲۶۰
LAG-LOSS	-۰/۱۲۸	-۵/۲۷۹	۰/۰۰۰
SALES-GROWTH	۰/۰۸۹	۵/۵۴۹	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۱۰۰	-۴/۳۵۲	۰/۰۰۰
LOGSALE	۰/۰۰۴	۰/۴۱۹	۰/۶۷۶
R ² تعدیل شده	۰/۵۶۹		
آماره دوربین واتسون	۱/۶۰۶		
F آماره = ۱۸/۸۸۴ و Sig = ۰/۰۰۰			

در جدول ۷، نتایج حاصل از برازش مدل مربوط به فرضیه پنجم نشان داده شده است. در این مدل، تأثیر نوع انحصار بر رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی مورد بررسی قرار می‌-

انحصار بازار حسابرسی و کیفیت سود: شواهدی از انحصار دولتی و انحصار خصوصی ===== ۴۳

گیرد. ضریب متغیر تعاملی منفی و در سطح ۹۵٪ بی معنی ($\text{GOV*CONCEN} = -0/061$) و $\text{sig} = 0/446$ است. لذا نوع انحصار تأثیری بر رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی ندارد.

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	ضرایب	آماره t	Sig
Intercept	۰/۱۰۰	۱/۸۷۶	۰/۰۶۳
CONCEN	-۰/۰۶۴	-۱/۱۴۴	۰/۲۵۳
GOV	۰/۰۲۸	۰/۵۴۸	۰/۵۸۴
GOV*CONCEN	-۰/۰۲۸	-۰/۳۶۵	۰/۷۱۵
LOGSALE	-۰/۰۱۱	-۱/۸۱۱	۰/۰۷۱
CFO	۰/۲۴۱	۴/۹۴۴	۰/۰۰۰
LEV	۰/۰۳۳	۲/۱۹۴	۰/۰۲۹
PPE-GROWTH	۰/۰۰۷	۴/۲۳۸	۰/۰۰۰
SALES-GROWTH	۰/۰۰۹	۱/۰۰۱	۰/۳۱۷
LAG-LOSS	-۰/۰۲۲	-۱/۳۱۲	۰/۱۹۰
SIZE	۰/۰۰۷	۰/۸۶۰	۰/۳۹۰
R ² تعدیل شده		۰/۰۹۶	
آماره دوربین واتسون		۱/۸۷۷	
F = ۲/۸۹۸ و Sig = ۰/۰۰۰ = آماره F			

در جدول ۸، نتایج حاصل از برآزش مدل مربوط به فرضیه ششم نشان داده شده است. در این مدل، تأثیر نوع انحصار بر رابطه میان انحصار بازار حسابرسی و محافظه کاری مورد بررسی قرار می گیرد. همان گونه که مشاهده می شود ضریب متغیر تعاملی منفی و در سطح ۹۵٪ معنادار ($-4/944$)

GOV*NEG*CFO*CONCEN= و sig=۰/۰۰۰ است. لذا نوع انحصار بر رابطه میان انحصار بازار حساسی و محافظه کاری اثر گذار است. منفی بودن ضریب متغیر تعاملی حاکی از آن است که در زمان دولتی بودن نوع انحصار، میزان محافظه کاری بیشتر است.

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم

Sig	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۰۰۵	۲/۸۳۴	۰/۱۷۰	Intercept
۰/۳۴۵	-۰/۹۴۶	-۰/۰۶۱	CONCEN
۰/۰۵۱	۱/۹۵۷	۰/۰۴۲	GOV
۰/۴۴۶	-۰/۷۶۲	-۰/۰۶۱	GOV*CONCEN
۰/۶۴۰	-۰/۴۶۸	-۰/۰۰۴	LOGSALE
۰/۱۰۵	۱/۶۲۴	۰/۰۵۴	CFO
۰/۰۰۰	۳/۶۴۳	۰/۰۷۳	LEV
۰/۶۸۶	-۰/۴۰۵	-۰/۰۰۱	PPE-GROWTH
۰/۴۲۴	۰/۸۰۰	۰/۰۱۲	SALES-GROWTH
۰/۰۱۰	-۲/۵۹۹	-۰/۰۵۷	LAG-LOSS
۰/۷۵۹	-۰/۳۰۷	-۰/۰۰۳	SIZE
	۰/۰۴۷		R ² تعدیل شده
	۱/۶۱۱		آماره دورین واتسون
F آماره = ۲/۸۹۸ و Sig = ۰/۰۰۲			

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون فرضیه ششم

متغیرها	ضرایب	آماره t	Sig
Intercept	۰/۰۹۴	۱/۰۸۰	۰/۲۸۱
NEG	۰/۰۶۹	۱/۶۴۰	۰/۱۰۲
CFO	-۰/۱۴۷	-۱/۶۴۳	۰/۱۰۱
NEG*CFO	-۱/۲۷۹	-۴/۷۹۶	۰/۰۰۰
CONCEN	۰/۱۵۵	۱/۸۴۱	۰/۰۶۷
NEG* CONCEN	-۰/۱۵۴	-۰/۹۷۳	۰/۳۳۱
CFO* CONCEN	-۰/۹۷۱	-۲/۷۹۵	۰/۰۰۵
NEG*CFO* CONCEN	۳/۷۲۶	۲/۳۲۷	۰/۰۲۱
GOV	-۰/۱۰۶	-۱/۵۶۶	۰/۱۱۸
GOV* NEG*CFO* CONCEN	-۴/۹۴۴	-۳/۸۶۹	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۸	۰/۹۶۲
LAG-LOSS	-۰/۱۱۱	-۴/۶۲۲	۰/۰۰۰
SALES-GROWTH	۰/۰۹۳	۵/۹۰۱	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۲۰۲	-۸/۴۲۳	۰/۰۰۰
LOGSALE	۰/۰۰۵	۰/۴۴۰	۰/۶۶۱
R ² تعدیل شده	۰/۶۵۴		
آماره دوربین واتسون	۱/۶۵۶		
F = ۲۴/۹۱۰ و Sig = ۰/۰۰۰			

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صاحب‌نظران در گزارشات و نوشتارهای مختلف نگرانی خود را از وجود انحصار در بازار حسابرسی ابراز نموده‌اند. این در حالی است که تحقیقات کمی پیرامون موضوع پیامدهای انحصار صورت گرفته است. به این ترتیب این تحقیق درصدد برآمد تا رابطه انحصار بازار حسابرسی و کیفیت سود را مورد بررسی قرار دهد. نتایج این پژوهش حاکی از این است که با افزایش انحصار بازار حسابرسی میزان اقلام تعهدی اختیاری کاهش و بالتبع میزان مدیریت سود کاهش می‌یابد. بعلاوه رابطه مستقیمی بین انحصار و کیفیت سود وجود دارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که رابطه معناداری بین انحصار و محافظه‌کاری وجود ندارد. این یافته‌ها سازگار با جریانی از نتایج تحقیقات اقتصادی است که وجود یک رابطه مثبت بین انحصار و کیفیت محصول را ادعا می‌کنند (به‌عنوان مثال ساتن، ۱۹۹۱). به نظر می‌رسد این نتایج موافق با تئوری فرانسیس و همکاران (Francis, 2013) است که افزایش انحصار بازار حسابرسی می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود و در نتیجه کیفیت سود را نیز افزایش دهد. بعلاوه، همانطور که در مبانی نظری تشریح گردید، این یافته‌ها نزدیک به حالت اول نظریه برتراند (Bertrand, 1883) که در آن انحصار به سمت رقابت کامل بین انحصارگران متمایل می‌شود و در نتیجه بهبود کالاها و خدمات را فراهم می‌کند، می‌باشد.

علاوه بر موارد بالا، شواهد این پژوهش حاکی از آن است که نوع انحصار بر رابطه بین انحصار و مدیریت سود و همچنین رابطه بین انحصار و کیفیت سود تأثیری نداشته است. این شواهد اگرچه برای بخش دولتی به دلیل تأثیرگذاری اندک بر حق‌الزحمه‌های حسابرسی، قابل پیش‌بینی بود، برای بخش خصوصی نیز می‌تواند همخوان با این دسته از تئوری‌های اقتصادی باشد که آنچه باعث شده که یک تولیدکننده در یک بازار انحصاری خوب عمل کند به علت کیفیت بالای محصولاتش بوده و بنابراین رابطه مستقیمی بین انحصار و کیفیت وجود دارد (Sutton, 1991). همچنین این یافته‌ها می‌تواند با تئوری سرایت کیفیت حسابرسی (Liuchung, 2017 & Martin, 2017)، و در نتیجه مشابه شدن آثار انحصار دولتی و خصوصی، سازگار باشد. بطور کلی نتایج این تحقیق می‌تواند پیشنهادات متنوعی را برای قانونگذاران و سرمایه‌گذاران فراهم آورد. برای مثال، نتایج این تحقیق می‌تواند تا حدی نگرانی قانونگذاران و سیاستگذاران را کاهش دهد چراکه طبق یافته‌های تجربی، وجود انحصار نه تنها پیامد نامطلوب ندارد بلکه موجب بهبود کیفیت سود نیز می‌گردد. بعلاوه یافته‌های این تحقیق برای سرمایه‌گذاران نیز می‌تواند مفید واقع شود. سرمایه‌گذاران در زمان ارزیابی عملکرد و کیفیت سود

شرکت‌ها می‌توانند موسسه‌ای که شرکت را حسابرسی نموده مدنظر قرار دهند که آیا جزو موسسات بزرگ تلقی می‌شود یا خیر.

در پژوهش حاضر از اطلاعات حق‌الزحمه حسابرسی برای اندازه‌گیری انحصار بازار حسابرسی استفاده شده است. به این ترتیب، یکی از محدودیت‌های این پژوهش، عدم افشای کامل حق‌الزحمه حسابرسی و عدم تفکیک این حق‌الزحمه از سایر حق‌الزحمه‌ها نظیر حق‌الزحمه مشاوره توسط شرکت‌ها می‌باشد. بعلاوه، علیرغم اینکه در پژوهش حاضر از چندین معیار کیفیت سود استفاده شده است اما وجود تعداد زیادی معیار برای اندازه‌گیری کیفیت سود می‌تواند از محدودیت‌های تحقیق بشمار رود چراکه بکارگیری سایر معیارها ممکن است به نتایج متفاوتی منجر شود.

منابع و مأخذ

۱. اورادی، جواد؛ نصیرزاده، فرزانه و حصارزاده، رضا. (۱۳۹۵). "تأثیر رقابت در بازار حسابرسی بر کیفیت حسابرسی: نقش اندازه بازار حسابرسی"، همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران.
۲. سروش یار، افسانه؛ بنی مهد، بهمن؛ و کیلی فرد، حمیدرضا و امیری، هادی. (۱۳۹۳). "تأثیر رقابت در بازار حسابرسی بر استقلال حسابررس و کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲۸ (۷)، صص ۷۷-۹۴.
3. Asthana, S. C., and Boone. J. P. (2012). "Abnormal audit fee and audit quality". Auditing: A Journal of Practice & Theory, 31 (3), 1-22.
4. Ball, R., and L. Shivakumar. (2005). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. Journal of Accounting Research, 44, No. 2, 207-242.
5. Asthana, S., Rachana, K. and Raman, K. K. (2018). "Unintended Consequences of Big 4 Auditor Office-Level Industry Specialization", International Journal of Accounting, Auditing, and Performance Evaluation. Vol. 14, Nos. 2/3, 254-289.
6. Bell, T. B., Causholli, M. and Knechel, W. R. (2015). "Audit firm tenure, non-audit services and internal assessments of audit quality", Journal of Accounting Research, 53(3), 461-509.
7. Beattie, V., Goodacre, A., Fearnley, S. (2003). "And then there were four: A study of UK audit market concentration - causes, consequences and the scope for market adjustment", Journal of Financial Regulation and Compliance, Vol. 11 (3), 250-265.
8. Bertrand, J. (1883). "Book review of theorie mathematique de la richesse sociale and of recherches sur les principes mathematiques de la theorie des richesses", Journal de Savants, 67, 499-508.

9. Boone J. P., I. K. Khurana, and Raman. K. K. (2012). "Audit market concentration and auditor tolerance for earnings management". *Contemporary Accounting Research*, 29 (4), 1171-1203.
10. Bushman, R. M., Piotroski, J. D. (2006). "Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions". *Journal of Accounting and Economics*, Volume 42,(1-2), 107-148.
11. Cameran, M., Francis, J. R., Marra, A. and Pettinicchio, A. (2015). "Are there adverse consequences of mandatory auditor rotation? Evidence from the Italian experience", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(1), 1-24.
12. Choi, J. H., Kim, J.B., Lee, E. Y. and Sunwoo, H.Y. (2018). "Audit Market Concentration and Audit Fees: An International Investigation", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2985877>.
13. Clayton, M., B. Jorgansen, and K. Kavajecz. (2006). "On the presence and market-structure of exchanges around the world". *Journal of Financial Markets*, 9, 27-48.
14. Craswell, A. Stokes, D. J. and Laughton, J. (2002). "Auditor independence and fee dependence". *Journal of Accounting and Economics*. Vol 33, 253- 275.
15. Dechow, P. M., and I. D. Dichev. (2002). "The quality of accounting and earnings: The role of accrual estimation errors". *The Accounting Review*, 77, 35-59.
16. Eshleman J. D. (2013). "The effect of audit market concentration on audit pricing and audit quality: the role of the size of the market". PhD Dissertation. Louisiana State University.
17. Francis J. R., P. N. Michas, and S. E. Seavey. (2013). "Does audit market concentration harm the quality of audited earnings? Evidence from audit markets in 42 countries." *Contemporary Accounting Research*, 30 (1), 325-355.
18. General Accounting Office. (2003). "Public accounting firms: Mandated study on consolidation and competition". Washington, DC: GAO.
19. Government Accountability Office. (2008). "Audits of public companies: continued concentration in audit market for large public companies does not call for immediate action". Washington, DC: GAO.
20. Huang T. H, chang H., chiou J. R. (2015). "Audit market concentration, audit fees, and audit quality: evidence from china". *AAA*, 1-52
21. Kallapur S., S. Sankaraguruswamy, and Zang, Y. (2010). "Audit market concentration and audit quality". Working paper, Indian School of Business, National University of Singapore, and Singapore Management University.
22. Kotharia, S. P., Leoneb, A. J. Charles E. Wasley, C. H. (2005). "Performance matched discretionary accrual measures". *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 39(1), 163-197.
23. Liuchuang, L. B., Gaoliang, T., and Guochang Z. (2017). "The Contagion Effect of Low-Quality Audits at the Level of Individual Auditors". *The Accounting Review*, Vol. 92, No. 1, 137-163.

24. Martin, G. W., Thomas, W. B. and Diaz, J. (2017). "Financial Reporting Quality and Auditor Locality Contagion". Auditing: A Journal of Practice & Theory, Forthcoming. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2910537>
25. Mas-Colell, A. M. D. Whinston., and Green. J. R. (1995). Microeconomic Theory. Oxford University Press.
26. Newton, N. J., D. Wang, and Wilkins, M. S. (2013). "Does a Lack of Choice Lead to Lower Audit Quality? Evidence from Auditor Competition and Client Restatements". Auditing: A Journal of Practice & Theory, 32 (3), 31-67.
27. Okaro S. C., Okafor, G. O. and Ofoegbu, G. N. (2018). "Mandating Joint Audits in Nigeria: Perspectives and Issues," International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, Human Resource Management Academic Research Society, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, vol. 8(3), 316-338.
28. Ohlsson, A., and Carlsson, K. (2018). "Audit market concentration and audit quality: A study of public-interest entities in Sweden between 2008-2016". Independent thesis Advanced level., Jönköping University, Jönköping International Business School, JIBS, Business Administration.
29. Ramos, S.B. (2005). Competition and reforms on stock exchanges. In Stock exchanges, IPO's and mutual funds. New York: Nova Science Publishers.
30. Ramos, S.B. (2009). "Competition and stock market development". The European Journal of Finance. 15(2), 231-247.
31. Spence, A. (1975). "Monopoly, quality and regulation". Bell Journal of Economics, 6, 407-414.
32. Sutton, J. (1991). Sunk costs and market structure, Cambridge: MIT Press.
33. United States Treasury. (2006). Remarks by Treasury Secretary Henry M. Paulson on the competitiveness of U.S. capital markets – Economic Club of New York, New York, NY.
34. United States Treasury. (2008). Advisory committee on the auditing profession: Final report.
35. Vives, X. (2000). Oligopoly Pricing. MIT press.

Audit Market Concentration and Earnings Quality: Evidence from Governmental Concentration and Private Concentration

Ameneh Bazrafshan^۴

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between audit market concentration and earnings quality. Because of the effects of positive and negative audit market concentration on earnings quality, this research studies the impact of audit market concentration on three criteria quality of earnings including: discretionary accruals, accruals quality and conservatism. This study examines the role of governmental concentration and private concentration on the present relationship. Using multiple linear regression analysis and using a sample of 90 firms for a period of 2011 to 2016, the results show that as concentration increases, the amount of discretionary accruals reduces, consequently earnings management reduces. Moreover, as concentration, accruals quality increases. Of course, there is not a significant relationship between concentration and conservatism. In addition, evidence suggests that type of concentration (governmental concentration or private concentration) has not a significant impact on the relationship between the audit market concentration and discretionary accruals as well as the relationship between audit market concentration and accrual quality. While the state concentration occurs significantly, reduce conservatism.

Keywords: Audit Market Concentration, Earnings Quality, Governmental Concentration, Private Concentration.

4. PH.D of Accounting , Assiatant Professor , Imam Reza Enternational Univercity

JEL Classification: M12, M41, M42

